

واکاوی اهداف تربیتی در ادعیه ماثور با تأکید بر اندیشه تربیتی علامه جوادی آملی

ابراهیم عاملی* | محمدعلی مجد فقیهی**

چکیده

تحقق انسان کامل و جامعه صالح در منظومه تربیت اسلامی، مستلزم شناسایی دقیق اهداف تربیتی و تبیین نسبت آن‌ها با یکدیگر است. ادعیه ماثور، با بهره‌مندی از مضامین عمیق توحیدی، اخلاقی و معنوی، ظرفیت تبیین نظام مند اهداف تربیت اسلامی را دارند. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و با تأکید بر اندیشه تربیتی علامه جوادی آملی، در پی کشف و تبیین هدف غایی و اهداف واسطی تربیت در ادعیه اسلامی است. هدف نهایی در این نظام، رسیدن به قرب الهی است که مفاهیمی همچون عبودیت، رضوان الهی و حیات طیبه به عنوان نمودهای آن معرفی شده‌اند. در اندیشه علامه جوادی آملی، این هدف غایی نه تنها با فطرت انسانی همساز است بلکه مطلوبیتی ذاتی دارد و جامع همه کمالات انسانی تلقی می‌شود. نظام اهداف تربیتی ادعیه، افق روشنی را برای تربیت انسان در مسیر تعالی ترسیم می‌نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این نظام تربیتی، قرب الهی به مثابه هدف غایی تربیت مطرح است و مفاهیمی همچون عبودیت، حیات طیبه و رضوان الهی، تجلیات آن به شمار می‌روند. اهداف واسطی در چهار ساحت رابطه با خدا (مانند معرفت، محبت و عبادت)، با خود (خودشناسی، حق طلبی و کمال خواهی و خودسازی)، با هم‌نوعان (توجه به حقوق دیگران، نوع دوستی و دگرخواهی و داشتن تعامل اخلاقی اجتماعی) و با طبیعت (شناخت طبیعت به عنوان آیت الهی، احساس مسئولیت نسبت به آن و عمران و آبادی زمین و زیست اخلاق‌محور) سامان یافته‌اند. این اهداف واسطی در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری نمود یافته و در ارتباطی به هم پیوسته و سازوار، زمینه‌ساز دستیابی به هدف غایی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها

اهداف تربیتی، ادعیه ماثور، هدف غایی، قرب الهی، جوادی آملی.

* استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس (نویسنده مسئول). (ebrahime1364@gmail.com)

** استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی. (Majd@Maaref.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸)

□ ابراهیم عاملی، محمدعلی مجد فقیهی (۱۴۰۴). واکاوی اهداف تربیتی در ادعیه ماثور با تأکید بر اندیشه تربیتی علامه جوادی آملی، *فصلنامه*

مقدمه

در منظومه تربیت اسلامی، هدف از تربیت، صرفاً پرورش مهارت‌های رفتاری یا انتقال دانش نظری نیست، بلکه دستیابی به مراتب عالی انسانی، قرب الهی، و تحقق جامعه‌ای الهی و صالح مدنظر قرار دارد. تربیت در این نگرش، فرآیندی همه‌جانبه و پیوسته است که با فطرت انسان هماهنگ بوده و او را در سیر الی‌الله یاری می‌رساند. در این میان، ادعیه مأثور، گنجینه‌ای غنی از معارف تربیتی به شمار می‌روند که می‌توانند در طراحی نظام هدفمندی از تربیت، نقش مؤثر و بنیادینی ایفا کنند. مضامین بلند توحیدی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی موجود در ادعیه، ظرفیت آن را دارند که چارچوبی جامع و منسجم از اهداف تربیتی ارائه دهند که نه تنها سطوح شناختی، عاطفی و رفتاری انسان را دربر گیرد، بلکه روابط اساسی چهارگانه انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت را نیز پوشش دهد.

با وجود این ظرفیت در ادعیه تاکنون کمتر به صورت ساختارمند و با تکیه بر مبانی نظری اندیشمندان معاصر مورد تحلیل قرار گرفته است. اگرچه پژوهش‌هایی به تبیین برخی مفاهیم تربیتی در ادعیه پرداخته‌اند، اما خلأ طراحی یک نظام منسجم از اهداف تربیتی، با رویکردی تلفیقی از تحلیل متون دینی و بهره‌گیری از اندیشه‌های تربیتی حکمای معاصر همچون آیت‌الله جوادی آملی، همچنان محسوس است. از منظر این اندیشمندان، هدف غایی تربیت، قرب الهی است که با ویژگی‌هایی چون جامعیت، فطرت‌مداری، انگیزه‌بخشی و هم‌سویی با هدف آفرینش، از جایگاهی ممتاز برخوردار است. ایشان عبودیت خالصانه، داشتن حیات طیبه و دستیابی به رضوان الهی را مسیر نیل به قرب الهی می‌دانند.

هدف این پژوهش، واکاوی اهداف تربیتی در ادعیه با تأکید بر اندیشه علامه جوادی آملی است. سؤال اصلی پژوهش آن است که اهداف تربیتی در ادعیه با تأکید بر اندیشه آیت‌الله جوادی آملی چه نظام معنایی و ساختاری دارند؟ و سؤالات فرعی پژوهش عبارت‌اند از: ۱. هدف غایی تربیت در ادعیه از منظر علامه جوادی کدام است؟ ۲. اهداف واسطی تربیت برای رسیدن به هدف غایی در حوزه‌های

چهارگانه ارتباط انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت کدام‌اند؟^۳. این اهداف چه روابطی با یکدیگر دارند و چگونه در راستای هدف غایی سامان می‌یابند؟

در نهایت، پژوهش حاضر با ارائه نظام اهداف تربیت اسلامی، افق تازه‌ای را برای طراحی نظام‌های تربیتی مبتنی بر معارف دینی و عقلانی فراهم می‌آورد.

پیشینه پژوهش

مطالعه اهداف تربیتی در ادعیه مأثور، از جمله زمینه‌های نوپای پژوهشی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی است که در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. در این راستا، پژوهشگران متعددی به واکاوی جنبه‌های تربیتی ادعیه اسلامی، به‌ویژه ادعیه منقول از امام سجاده علیه السلام پرداخته‌اند. همچنین تأملاتی در آثار اندیشمندان معاصر مانند آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه صورت گرفته که می‌تواند در تدوین نظریه تربیتی مبتنی بر ادعیه، راهگشا باشد.

سلیمانی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر نظام تربیتی و انسان‌شناسی از منظر صحیفه سجاده»، تلاش کرده است تا با مروری بر مفاهیم کلیدی در صحیفه سجاده، به تبیین ساختار کلی نظام تربیتی این اثر ارزشمند بپردازد. وی ضمن بررسی مؤلفه‌هایی نظیر مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف تربیتی، نگاهی انسان‌شناسانه نیز به ادعیه دارد و کوشیده است با تحلیل محتوای برخی از دعاها، ابعاد گوناگون شخصیت انسان مطلوب از منظر امام سجاده علیه السلام را تبیین نماید. این مطالعه زمینه‌ای برای درک جامع‌تر از ساختار و نظام‌مندی تربیت در ادعیه فراهم می‌سازد.

رحمتی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان «سیری تربیتی در مکارم‌الاخلاق» با رویکردی توصیفی تحلیلی به تبیین آموزه‌های تربیتی مستتر در دعای مکارم‌الاخلاق پرداخته است. وی این دعا را نه صرفاً یک متن عبادی، بلکه سندی تربیتی می‌داند که می‌تواند چارچوبی اخلاقی و تربیتی برای تعالی فرد و جامعه ارائه دهد. تلاش او بر آن است تا با برجسته‌سازی مضامین انسان‌ساز این دعا، نقش نیایش در فرآیند خودسازی و تهذیب را برجسته سازد.

کاوه (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم و جایگاه دعا از نظر تلمود و جوادی آملی با تکیه بر تفسیر تسنیم»، به مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های موجود در کتاب تلمود و اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی درباره دعا پرداخته است. وی با تمرکز بر تفسیر تسنیم، جنبه‌های معرفتی و معنوی دعا را در منظومه فکری علامه جوادی آملی بررسی کرده و تلاش نموده است تا جایگاه دعا را به‌عنوان ابزاری معرفتی و تربیتی در اندیشه اسلامی برجسته سازد.

در همین راستا، احمدی‌منش (۱۴۰۳)، در مقاله «آثار تربیتی دعا در قرآن و روایات با تأکید بر آثار علامه جوادی آملی»، به‌صورت هدفمند آثار تربیتی دعا را در سه بعد معنوی، اخلاقی و اجتماعی بررسی کرده است. او با استناد به آموزه‌های تفسیری و تربیتی آیت‌الله جوادی آملی، معتقد است که دعا، فراتر از درخواست و استعجاب، بستری برای رشد همه‌جانبه انسان فراهم می‌سازد. از منظر وی، دعا حاوی تعالیمی است که در تقویت خصایصی چون عزت‌نفس، خیرخواهی و آرامش مؤثر است و در حوزه اجتماعی نیز نقش بسزایی در ارتقاء تعاملات انسانی ایفا می‌کند.

در مجموع، مطالعات پیشین هرچند به بررسی جنبه‌هایی از تربیت در ادعیه یا اندیشه‌های علامه جوادی آملی پرداخته‌اند، اما کمتر پژوهشی به‌طور خاص به «اهداف تربیتی در ادعیه مأثور با تأکید بر اندیشه تربیتی آیت‌الله جوادی آملی» توجه کرده است. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است تا با تلفیق ظرفیت‌های متنی ادعیه و تبیین‌های تربیتی علامه جوادی آملی، خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را تا حدی مرتفع سازد.

در این پژوهش ابتدا هدف غایی که در رأس هرم نظام تربیتی واقع شده تبیین و سپس اهداف واسطی برای رسیدن به این هدف بیان می‌شود.

هدف غایی در تربیت اسلامی

هدف غایی تربیت اسلامی، همواره مورد بحث و تبادل نظر بین اندیشمندان حوزه تربیت بوده است. در این خصوص، نظرات مختلفی ارائه شده است:

گروهی از اندیشمندان، مانند مصباح یزدی و اعرافی، قرب به خدا را هدف غایی تربیت اسلامی می‌دانند. از نظر این افراد، تربیت اسلامی باید به گونه‌ای باشد که انسان را به خداوند نزدیک‌تر کند و زمینه را برای رسیدن به مقام قرب الهی فراهم سازد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۷، اعرافی، ۱۳۹۹، ص. ۳۲). امام زین العابدین علیه السلام بالاترین خواسته خود را دست یابی به قرب خداوند می‌داند: وَقُرْبُكَ غَايَةُ سُؤْلِي (ابطحی، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۲۳). عده‌ای دیگر از اندیشمندان، مانند شرفی، حیات طیبه را غایت تربیت می‌دانند. حیات طیبه به معنای زندگی پاک و سعادت‌مندانه است که هم در دنیا و هم در آخرت محقق می‌شود. (شرفی، فلسفه تربیتی اسلام با رویکردی تطبیقی، ص. ۸۸). در این باره امام عصر علیه السلام در دعایی برای فرزندان‌شان آورده‌اند:

أَسْأَلُكَ أَنْ تُبْقِيَ لِي أَوْلَادِي وَأَنْ تُمَتِّعَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ رَاغِبِينَ فِي ثَوَابِكَ خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ رَاجِينَ لِمَا عِنْدَكَ آيِسِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى تُحْيِيَنَا حَيَاةً طَيِّبَةً. (ابطحی، ۱۴۲۳ق، ص. ۲۷۴)

برخی دیگر از اندیشمندان، مانند باقری، عبادت و عبودیت را به عنوان هدف غایی تربیت اسلامی مطرح می‌کنند. (باقری، ۱۳۹۸، ص. ۴۵). از دیدگاه ایشان، تربیت اسلامی باید به گونه‌ای باشد که انسان را به مقام عبودیت برساند. امام سجاد علیه السلام با توجه به اینکه برای عبادت و بندگی آفریده شده می‌فرماید: فَوَا سَوَاتِنَاهُ إِذْ خَلَقْتَنِي لِعِبَادَتِكَ، وَوَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ، فَاسْتَعْنْتُ بِهِ عَلَى مَعْصِيَتِكَ، وَانْفَقْتُهُ فِي غَيْرِ طَاعَتِكَ. (ابطحی، ۱۴۱۳، ص. ۸۳).

عده‌ای دیگر از اندیشمندان نیز مانند حسینی زاده ده آبادی، هدف غایی تربیت اسلامی را رضوان الهی بیان می‌دارند که به معنای رضایت خدا از بنده و رضایت بنده از خدا است. (حسینی زاده، ۱۴۰۲، ص. ۸۶). در دعایی در ماه رمضان می‌خوانیم:

أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ؛ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ؛ سَخَطُكَ وَالنَّارِ. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج. ۱، ص. ۴۹۲)

بهترین بهترینها چیزی است که دیگر بهتر و بالاتر از او برای انسان چیزی نیست و امام در ادامه آن را رضوان خدا و بهشت رضوان او میدانند و در مقابل آن نیز بدترین بدترین‌ها را نیز سخط خدا و جهنم او می‌دانند.

هدف غایی تربیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی هدفی است که مطلوبیت آن ذاتی است؛ یعنی آن را برای رسیدن به هدف دیگری نمی‌خواهیم بلکه خودش موضوعیت دارد. بر این اساس ویژگیهای

هدفهای غایی که در کل به آن ماهیت خاصی بخشیده است. عبارت‌اند از: همسازی با فطرت جامعیت، بر انگیزندگی، عدم محدودیت و وحدت هدف نهایی با هدف آفرینش در این راستا از نظر ایشان در اسلام تقرب الهی به عنوان هدف غایی تربیت بوده و موجب فضیلت و دست یابی به سعادت پایدار در دنیا و آخرت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۶-۱۷۷) و انسان از این طریق به مقام خلیفه الهی که کمال حقیقی او است، دست می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص. ۶۷-۷۰) در نگاه این اندیشمند بزرگوار برای این که انسان به آن هدف نهایی نزدیک شود مراحل را به عنوان اهداف واسطی برای رسیدن به آن هدف غایی باید طی نماید

اهداف واسطی تربیت در ارتباطات چهارگانه

در ادامه، اهداف واسطی در ارتباطات چهارگانه با توجه به ابعاد مختلف وجودی انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ارتباط انسان با خدا

بعد بینشی معرفت‌الهی

در دعاهای منقول از ائمه:، آموزه‌های معرفتی توحیدی با بیانی دقیق و عمیق عرضه می‌شود. برای نمونه، امام رضا (ع) در دعایی که در قنوت نماز قرائت می‌فرمودند، با توسل به اسماء و صفات الهی، ابعاد مختلف توحید ذاتی، صفاتی و افعالی را برجسته می‌سازند. در این دعا، خداوند به عنوان صاحب قدرت فراگیر، رحمت گسترده، علم بی‌مانند، خالق و رازق مطلق، و یکتای بی‌نظیر در ملک و جبروت معرفی شده است.

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ يَا مَنْ لَا يُوصَفُ بِتَمَثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَالْهَمَّ فَانْطَلِقْ وَقَدَّرَ فَاحْسَنَ وَصَوَّرَ فَاتَّقَنَ يَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي مَمْلُوكَاتِ سُلْطَانِهِ، وَتَوَحَّدَ بِالْكَبَرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ. يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبَرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَحَسِرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنْامِ، يَا عَالِمَ خَطَرَاتِ قُلُوبِ الْعَالَمِينَ (ابطحی، ۱۳۸۱، ص. ۴۶، صدوق، ۱۴۰۴، ج. ۲، ص. ۱۷۳، کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص. ۶۵۵، همو،

بی‌تا الجنة الواقیه، ص. ۳۹۰، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۸۲، ص. ۲۵۸)

بر این اساس، هدف تربیت در بعد بینشی، دستیابی به معرفت صحیح از خداوند است؛ این هدف، که کلید دستیابی به هدف نهایی است، نقش مهمی در تقرب به درگاه حق تعالی دارد. بدون شناخت خداوند تقرب به او امکان‌پذیر نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص. ۳۴۱) در غیاب چنین شناختی، مسیر رشد و کمال انسانی دچار اختلال می‌شود. از همین رو، در کلام امیرالمؤمنین علی ۷ نیز آمده است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»؛ یعنی آغاز دین با معرفت خداوند گره خورده است. (البحرانی، ج. ۱، ص. ۱۲۲) این بیان نشان می‌دهد که معرفت الهی نه تنها هدفی واسطی در نظام تربیتی اسلام، بلکه شرط تحقق هر نوع تربیت مطلوب دینی به شمار می‌آید.

بعد عاطفی محبت الهی

در منظومه تربیتی ادعیه، محبت الهی به عنوان یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های گرایش قلبی انسان به شمار می‌آید. این محبت، برخاسته از معرفت است؛ چراکه انسان، به گونه‌ای فطری کمال‌جو است و هرگاه کمال مطلوب خود را در وجودی کامل بیابد، دل به او می‌بندد و برای تقرب به آن تلاش می‌کند. از این منظر، محبت از یک سو محصول معرفت و از سوی دیگر عامل اطاعت و انقیاد در برابر محبوب کامل است. بنابراین، هر چه سطح معرفت انسان نسبت به کمال الهی عمیق‌تر باشد، محبت او نیز شدیدتر خواهد شد و در پی آن، تبعیت و بندگی بیشتری شکل می‌گیرد. امام صادق ۷ نیز در این باره می‌فرماید: «إِذَا تَجَلَّى ضِيَاءُ الْمَعْرِفَةِ فِي الْقُلُوبِ هَاجَ رِيحُ الْمَحَبَّةِ» (مصابح الشریعة و مفتاح الحقیقة، ۱۴۰۰، ص. ۴۰۴)؛ یعنی هرگاه نور معرفت بر دل بتابد، نسیم محبت خواهد وزید.

در ادعیه مأثور، بارها مشاهده می‌شود که اهل بیت: از خداوند قلبی خالی از غیر و سرشار از محبت او طلب می‌کنند: «إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ فَرَّغَتْ قُلُوبُهُ لِحُبِّكَ» (ابطحی، ۱۴۱۳ق، ص. ۴۱۳)؛ و خواستار آن‌اند که نهال شوق الهی در سینه‌هایشان ریشه دواند: «إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشَّوْقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِ» (همان، ص. ۴۱۷). همچنین سفارش می‌کنند که «أَحْبَبُوا اللَّهَ مِنْ كُلِّ قُلُوبِكُمْ» (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج. ۱۶، ص. ۱۲۴)؛ یعنی سراسر دل خود را آکنده از محبت الهی سازید.

از سوی دیگر، تربیت در ادعیه بر پایه محبت الهی بنا شده است. محبتی، که ریشه در معرفت عمیق خداوند دارد، موجب می‌شود انسان با تواضع و امید به سوی پروردگار حرکت کند و از گناه و دوری از حق اجتناب نماید. محبت به خدا، انگیزه‌ای برای تلاش در مسیر قرب و رشد روحانی است و بدون آن، عبودیت صرفاً به شکل ظاهری و بی‌ثمر تبدیل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۷، ص ۱۲۱).

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، پرورش احساسات و عواطف دینی، به‌ویژه محبت به خداوند را نه تنها مکمل عقلانیت دینی، بلکه نیروی محرکه‌ای می‌دانند که رفتار و اخلاق انسان را در جهت کمال سامان می‌دهد. ایشان تأکید دارند که هر چه معرفت به خدا افزون‌تر باشد، عشق به او نیز ژرف‌تر خواهد بود و چنین عشقی است که رفتار مؤمن را الهی می‌سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۳۱)

بعد رفتاری اطاعت و بندگی

در ادعیه، اطاعت و بندگی خداوند به‌عنوان نمود عینی ارتباط انسان با خالق، جایگاه ویژه‌ای دارد. فرازهای متعدد دعاها بر انجام واجبات، ترک محرمات، و التزام به اوامر الهی تأکید دارند و نشان می‌دهند که عبودیت، تنها در نیت و گرایش قلبی خلاصه نمی‌شود، بلکه در عمل و رفتار تجلی می‌یابد. محبت به خداوند نقطه آغاز این سلوک عبادی است، اما بندگی خالصانه ثمره عملی آن به شمار می‌رود. از منظر قرآن، محبت راستین به خداوند در تبعیت از پیامبر اکرم ۶ محقق می‌شود: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (آل عمران، ۳۱) و این تبعیت، شاخص صداقت در محبت است، نه صرفاً ادعایی بی‌پشتوانه (طبرسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۷).

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، عمل صالح، نشانه آشکار ایمان و محبت و نتیجه معرفت توحیدی است. ایشان اطاعت از دستورات الهی را نه تنها معلول محبت می‌دانند، بلکه آن را زمینه‌ساز تقویت آن نیز معرفی می‌کنند. به باور ایشان، عبودیت حقیقی باید بر مدار محبت الهی استوار باشد، نه صرفاً بر محور ترس از عذاب یا امید به پاداش (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۵) چنان‌که امام علی ۷ نیز عبادت

خود را نه از سر ترس یا طمع، بلکه از روی شایستگی خداوند برای عبادت توصیف می‌کنند:

إلهی ما عبدتک خوفاً من عذابک ولا طمعاً فی ثوابک، بل وجدتک أهلاً للعبادة فعبدتک (ابطحی، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۷)

در این منظومه معرفتی، محبت خالص به خداوند موجب پالایش دل از محبت‌های ناسازگار و مانع نفوذ شرک در بندگی می‌شود. نتیجه چنین محبتی، رسیدن به مقام عبودیت تام است؛ مقامی که اطاعت از پیامبر، امامان، و حتی والدین، در امتداد اطاعت الهی معنا می‌یابد و انسان را از خودمحوری به خدامحوری سوق می‌دهد. چنین عبودیتی، نشانه بلوغ رفتاری در تربیت دینی است که در آموزه‌های آیت‌الله جوادی نیز به‌وضوح مورد تأکید قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج. ۷، ص. ۱۲۱، ج. ۲۳، ص. ۹۱، ج. ۷، ص. ۱۲۴).

ارتباط انسان با خود

بعد بینشی خودشناسی

بسیاری از ادعیه بر شناخت حقیقت نفس، آگاهی از قوت‌ها و ضعف‌های وجودی، و ضرورت تهذیب نفس و مبارزه با هواهای نفسانی تأکید دارند. از منظر امام سجاد^{علیه السلام}، شناخت انسان از خویشتن، مقدمه‌ای برای یقین به جایگاه خود و حرکت در مسیر بندگی است؛ چنان‌که در دعایی از خداوند می‌خواهند که ما را از کسانی قرار دهد که خود را شناخته‌اند و در نتیجه، عمرشان را در طاعت الهی سپری می‌کنند: وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ عَرَفُوا أَنْفُسَهُمْ، وَایْقِنُوا بِمُسْتَقَرِّهِمْ، فَكَانَتْ أَعْمَارُهُمْ فِي طَاعَتِكَ تَقْنًی (ابطحی، ۱۴۱۳، ق، ص. ۴۷۴).

در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی نیز خودشناسی، نه تنها امکان‌پذیر، بلکه مقدمه‌ای ضروری برای خداشناسی و تربیت صحیح انسان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، الف، ص. ۶۰) ایشان معتقدند که شناخت حقیقت انسان، با شناخت سایر پدیده‌ها متفاوت است و از رهگذر تمایزگذاری میان ابعاد محکم و متشابه وجود انسان حاصل می‌شود. انسان، همانند قرآن، دارای لایه‌هایی از معناست که فهم آن مستلزم مراجعه به «انسان محکم» است؛ یعنی فردی که از بند و سوسه‌ها رسته، به فطرت خود واقف

است و مسیر تعالی را آگاهانه طی می‌کند. از این منظر، انسان‌هایی که اسیر تعلقات و روزمرگی‌اند (انسان‌های متشابه)، برای تربیت و خودسازی باید از انسان‌های محکم پیروی کنند؛ کسانی که خودشناسی را سرآغاز سیر الی‌الله می‌دانند تعبیر انسان محکم و انسان متشابه از بر ساخته‌ها و مفاهیمی است که علامه در تأملات اخیر خود به آن دست یافته است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص. ۶۴، همو ۱۳۸۶، ص. ۲۵۷، همو ۱۳۹۳، الف، ص. ۶۲۹).

بعد عاطفی گرایش به حق طلبی و کمال خواهی

گرایش به حقیقت، کمال، توحید و دوری از باطل، نقص و شرک، بخشی از ساختار فطری انسان است. این کشش درونی به سوی حق، همان‌قدر اصیل و طبیعی است که بینش توحیدی فطری او. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص ۲۶) از نگاه قرآن، انسان الهام یافته به فجور و تقواست و در حالت طبیعی، گرایش او به سمت خیر، تقوا و کمال است، مگر آنکه شرایط ناسالم تربیتی یا اجتماعی، مسیر او را منحرف سازد. بنابراین، انحراف از مسیر فطرت، تحمیلی و ثانوی است؛ ولی در پرتو تربیت صحیح، میل درونی انسان به کمال و حق‌طلبی شکوفا می‌شود. بارزترین نمود تمایل به کمال و مشهورترین نماد تنفر از نقص همان گرایش فطری انسان به توحید و گریز فطری او از شرک است. (همان، ص. ۵۸) ادعیه ایمان به خدا و دین را محبوب انسانها معرفی میکند و میکوشد به انسانها بفهماند دین که مجموعه قوانین الهی است چیزی تحمیلی بر بشر نیست؛ برای همین پیامبر اکرم ۶ از خداوند سبحان مسئلت دارد ایمان را محبوب انسان کرده و آن را در دل اوزینت داده است.

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ، وَ زَيِّدْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَ كَرِّهِ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ، وَ الْعِصْيَانَ، وَ اجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ. (ابطحی، ۱۴۲۴، ص. ۲۶۹)

بعد رفتاری خودسازی

خودسازی در ساحت عمل، به معنای زدودن صفات ناپسند و آراستگی به فضایل اخلاقی است؛ (فتحعلی خانی محمد ۱۳۷۹، ص. ۱۰۵) فرآیندی که با شناخت نفس آغاز می‌شود و در دو مرحله «تخلیه»

(دفع رذایل) و «تحلیه» (تحصیل فضایل) شکل می‌گیرد. (نراقی، ۱۴۲۰، ص. ۳۲۵) امام سجاد علیه السلام در ادعیه صحیفه سجادیه، بر شاخص‌هایی همچون تقوا، اخلاص و یاد مرگ به عنوان پایه‌های تربیت عملی انسان برای خود سازی تأکید دارد. ایشان تقوا را زیور اهل ایمان و پناهگاه انسان در دنیا و آخرت دانسته و در دعایی از خداوند می‌خواهد: «وَ حَلْنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ». (ابطحی، ۱۴۱۳، ص. ۱۱۲) اخلاص نیز در نگاه حضرت شرط اصلی تقرب به خداوند است؛ روی گردانی از غیر خدا و توجه کامل به او: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِالْقَطَاعِي إِلَيْكَ وَ أَقْبَلْتُ بِكُلِّي عَلَيْكَ وَ صَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَحْتَاجُ إِلَى رِفْدِكَ». (ابطحی، ۱۴۱۳، ص. ۱۴۴)

از دیگر آموزه‌های بنیادین رفتاری، یاد مرگ و معاد است؛ امام سجاد علیه السلام در نیایش‌های خود، آرزوهای بلند را عامل غفلت از مرگ می‌داند. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُومِ الظُّلُمِ، وَ فِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ حَتَّى التَّمَسَّنَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرُوفِينَ، وَ طَمَعْنَا بِأَمَالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ» (ابطحی، ۱۴۱۳، ص. ۱۴۵) از نظر آیت الله جوادی آملی، یاد معاد مهم‌ترین عامل تربیت رفتاری است و فراموشی آن منشأ گناه و قانون‌گریزی است. (جوادی آملی ۱۳۹۴ ج. ۱۰، ص. ۲۶) وی تقوای نفس، اخلاص و کنترل غرایز را نشانه انسان تربیت‌یافته می‌داند؛ انسانی که به جای اسارت در شهوت و غضب، این نیروها را در مسیر عقل و ایمان مهار کرده است. (جوادی آملی، ۱۹۴، ج. ۴، ص. ۳۳) ایشان همچنین معتقد است که آشنایی با رذایل اخلاقی و تلاش عملی برای ترک آن‌ها، مانند شناخت سم برای طیب جسم، برای سلامت روان و رفتار انسان ضروری است. (جوادی آملی ۱۳۷۹، ص. ۲۱)

ارتباط انسان با هم‌نوع

بعد بینشی آگاهی از حقوق اجتماعی دیگران

از منظر آموزه‌های صحیفه سجادیه، تربیت انسان در عرصه اجتماعی، نخست با تعمیق شناخت او نسبت به حقوق دیگران آغاز می‌شود. (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰، ص. ۳۷۵). ادعیه به بیان حقوق گروه‌های مختلف اجتماعی، از اولین گروه یعنی خانواده، تا خویشاوندان، همسایگان، دوستان و عامه مردم

پرداخته است. به عنوان مثال یکی از دستورات اسلام، شناخت و رعایت حقوق والدین است امام سجاده^{علیه السلام} در دعای بیست و چهارم، شناخت وظایف فرد در قبال والدین را از خداوند طلب می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَلْهِمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهْمَا عَلَى إِلَهَامًا» (ابطحی، ۱۴۱۳، ص. ۱۲۵). این دعا نشان می‌دهد که آگاهی نسبت به حقوق دیگران - حتی نزدیک‌ترین افراد - نیازمند الهام الهی و تربیت دینی است، نه صرفاً عقل بشری یا احساسات فردی. (مغنیه، ۱۴۲۸ق، ص. ۲۳۹) این بینش در ادعیه منحصر به خانواده نمی‌ماند، بلکه حقوق خویشان، همسایگان، یتیمان، فقرا، و حتی عموم مردم نیز در منظومه دعاهاى ایشان به تفصیل بیان شده است.

آیت‌الله جوادی آملی نیز بر این باور است که تربیت اجتماعی جزء لاینفک سیر معنوی انسان است و کسی که در پی کمال و خلیفه‌اللهی است، باید همزمان دغدغه اصلاح دیگران را نیز داشته باشد. وی تأکید می‌کند که: «خلافت الهی انسان تنها با اصلاح درون محقق نمی‌شود، بلکه با تدبیر جامعه و رعایت حقوق ماسوای خدا کامل می‌گردد» (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۰). از این منظر، بعد بینشی تربیت اجتماعی در ادعیه، زمینه‌ساز تحقق عدالت، تعاون و زندگی اخلاق‌مدار در جامعه است.

بعد عاطفی نوع دوستی و دگرخواهی

از منظر آموزه‌های دینی و به‌ویژه مضامین ادعیه، تربیت عاطفی انسان نسبت به هم‌نوعان بر پایه محبت، شفقت و نوع دوستی استوار است. در دعای ابوحمزه ثمالی، امام سجاده^{علیه السلام} با زبانی آکنده از مهر، از خداوند درخواست می‌کند که بزرگ و کوچک، زن و مرد، شهری و روستایی، نزدیک و دور را شامل رحمت خود گرداند؛ این گستره عاطفی در دعا، ناظر بر تربیت دل‌هایی است که تنها به خود یا نزدیکان نمی‌پردازند، بلکه دغدغه عموم جامعه را دارند. (جوادی آملی، شرح دعای ابوحمزه ثمالی، ۱۳۸۵، جلسه اول) بر اساس این الگو، محبت و دلسوزی نه تنها ارزش‌های فردی، بلکه ارکان انسجام اجتماعی نیز به شمار می‌آیند. آیت‌الله جوادی آملی، محبت و انس با دیگران را پایه‌های تفکر اجتماعی اسلام می‌داند و می‌نویسد: «دین، بر پایه انس و محبت با دیگران بنا شده و در جامعه اسلامی، هیچ فردی

نباید سهمی کمتر از دیگری در بهره‌مندی از محبت و حقوق اجتماعی داشته باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص. ۳۳۷). این نوع نگرش، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای استوار بر همدلی، مسئولیت‌پذیری و رشد جمعی می‌باشد.

بر این اساس، بعد گرایشی تربیت در ادعیه، انسان را به سوی همدردی با دیگران، دعا برای همگان، و گسترش احساس مسئولیت عاطفی نسبت به سرنوشت جامعه سوق می‌دهد؛ مؤلفه‌ای که برای پی‌ریزی جامعه‌ای اخلاق‌مدار و پیشرو، ضروری است.

بعد رفتاری تعامل اخلاقی و مسئولیت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت اجتماعی در آموزه‌های دینی، تأکید بر تعامل اخلاقی و رفتار نیکو با دیگران است؛ موضوعی که در ادعیه به‌ویژه در قالب مضامینی چون انفاق، احسان، گره‌گشایی از دیگران و کمک به نیازمندان، برجسته شده است. از این رو امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ، وَلَا تَمَحَقَّهُ بِالْمَنِّ. (ابطحی، ۱۴۱۳، ص. ۱۱۰)

آیت‌الله جوادی آملی نیز تعامل اجتماعی بر پایه اخلاق، کمک به دیگران، پرهیز از نفاق، و اهتمام به اتحاد و انسجام جامعه را از لوازم زندگی دینی و تربیت‌یافتگی انسان مؤمن می‌داند. به باور ایشان، «حل مشکلات جامعه اسلامی و یاری رساندن به مردم، چنان ارزشمند است که حتی معتکف می‌تواند برای کمک به حل مشکل برادر دینی خود از اعتکاف خارج شود، زیرا این خدمت نیز عبادت به شمار می‌رود» (جوادی آملی، ۱۳۹۸ الف، ص. ۱۸۶-۱۸۷). همچنین ایشان تأکید می‌کنند که «داشتن حسن خلق، رعایت حقوق، و مشارکت در ساخت اجتماعی عادلانه، از اهداف اصلی اسلام در تربیت انسان‌هاست» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب، ص. ۲۳۸).

بر این اساس، بعد رفتاری ارتباط با هم‌نوعان در منظومه تربیتی اسلام، بر شکل‌گیری جامعه‌ای مبتنی بر تعاون، احسان و مسئولیت‌پذیری استوار است؛ جامعه‌ای که در آن کمک به دیگران نه فقط وظیفه‌ای اجتماعی، بلکه عبادتی الهی تلقی می‌شود.

ارتباط انسان با طبیعت

بعد شناختی شناخت طبیعت به عنوان آیت الهی

محیط زیست و حقایق آن مظاهر رحمت الهی، جلوه جمال حق و نشانه‌های الهی است. (جائیه ۴۳) خلقت بر مدار حسن است و خداوند هر چه را خدا آفرید. نیکو و به زیباترین صورت خلق کرده است. از این رو انسان موحد و اهل محبت همواره با دعای اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ، وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ (ابن طاووس، ۱۴۱۴، ج. ۱، ص. ۷۷)، که به سبب ارتباط وثیق با حق تعالی از قداست و تعالی وجودی برخوردار است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج. ۳، ص. ۶۰۸) علامه جوادی آملی در چارچوب هستی‌شناسی توحیدی، طبیعت و محیط زیست را تجلی اسماء و صفات حسناى خداوند و جلوه‌ای از جمال و رحمت الهی می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۱۳، ص. ۱۷۸). ایشان معتقد است که نظام‌مند بودن و تعادل دقیق در عالم طبیعت، نشانه حکمت و علم بیکران خداوند است که همه پدیده‌ها را با قوا و استعدادهای متناسب آفریده و بر اساس سنن ثابت الهی، یک مجموعه متوازن و کامل را تشکیل داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۹-۳۴۱). به بیان دیگر، زیست‌بوم به‌عنوان ابداع مدیری حکیم، در پرتو علم و قدرت الهی بهترین و کامل‌ترین صورت صنع خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۰-۱۳۱).

بر اساس این نگرش توحیدی، طبیعت آیت و نشانه‌ای است که ارتباط انسان با آن، رابطه‌ای فراتر از مادیات دارد و در چارچوب نقش خلیفه الهی انسان معنا می‌یابد. در این چشم‌انداز، رفتار اخلاقی بشر در قبال طبیعت نه تنها یک ضرورت مادی، بلکه عملی معنوی و تربیتی است که به رشد ابعاد جسمی و روحی انسان و تحقق اهداف غایی تربیت اسلامی کمک می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص. ۳۷). بدین ترتیب، حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری صحیح از آن، واجد ارزش دینی و فلسفی عمیقی است که زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز انسان و طبیعت می‌باشد.

بعد عاطفی: احساس مسئولیت انسان در قبال طبیعت

در ادعیه درخواست‌هایی وجود دارد که شکرگزاری از نعمت‌های الهی را برجسته می‌کنند امام حسین علیه السلام در این باره عرضه می‌دارد:

وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالًا لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا إِلَيَّ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ
الْأَوْكُ، فَأَيُّ أَنْعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا أَوْ ذَكَرًا أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ
يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَتْلُعَ عِلْمًا بِهِ الْحَافِظُونَ. (ابطحی، ۱۴۲۷ق، ص. ۱۳۱). و در عین حال از اسراف و تبذیر
در مصرف این نعمت‌ها نهی می‌نمایند. این دعاها بر اهمیت قدردانی از مواهب خداوندی تأکید
دارند و انسان را به رعایت اعتدال و پرهیز از هدر دادن منابع طبیعی فرا می‌خوانند، زیرا اسراف نه تنها
موجب ضایع شدن نعمت‌ها بلکه نوعی ناسپاسی در برابر خداوند به شمار می‌رود. امام سجاده علیه السلام در
دعایی در رعایت الگوی مصرف می‌فرماید:

وَ احْجُبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَ الْإِزْدِيَادِ، وَ قَوِّمْنِي بِالْبَدَلِ وَ الْإِقْتِصَادِ، وَ عَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَ أَفِضْ نِي
بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبَذِيرِ. (ابطحی، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۵۱).

علامه جوادی آملی نیز حفظ محیط زیست را نه تنها یک ضرورت اخلاقی بلکه وظیفه‌ای شرعی و
انسانی می‌داند. ایشان معتقدند که احساس مسئولیت نسبت به طبیعت هنگامی در انسان شکل
می‌گیرد که جایگاه خلیفه‌اللهی خود را در زمین بشناسد. خداوند متعال که مقام خلافت را به انسان
عطا کرده است، این مسئولیت را با معرفت به اسمای حسناى الهی و حفظ قلمرو خلافت گره زده
است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ص. ۳۷).

بنابراین، آموزه‌های دینی صریحاً نشان می‌دهد که تمامی انسان‌ها در قبال حفظ طبیعت و منابع آن
مسئولند و باید در حفاظت و بهره‌برداری عادلانه و پایدار از آنها تلاش کنند. زیبایی‌ها و جاذبه‌های
طبیعت همچون جنگل‌ها، دشت‌ها، گل‌ها و گیاهان، نقش مهمی در ایجاد آرامش و نشاط روحی
انسان دارند؛ از این رو، تخریب بی‌رویه و نابجای این مواهب الهی نه تنها به معنای ضایع کردن نعمات

است بلکه موجبات اندوه، ناامیدی و حتی افسردگی در جامعه را فراهم می‌آورد.

بعد رفتاری عمران و آباد کردن زمین

در آموزه‌های دینی، خداوند به انسان وعده داده است که زمین را آباد کند و از او خواسته است که در این مسیر با جدیت بکوشد. قرآن کریم نمونه‌ای از این آبادانی را در ساخت و توسعه مراکز مذهبی معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که انسان‌های مؤمن توفیق دارند تا مکان‌های مقدس مانند کعبه، قبله مسلمانان، و سایر مساجد را آباد کنند. این نشان‌دهنده مسئولیت بزرگ بشر در عمران زمین است.

(جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸)

وظیفه انسان فراتر از ساخت و سازهای مادی است؛ او باید محیطی مناسب برای حیات خود و دیگر موجودات فراهم آورد تا همه بتوانند به کمال و قرب الهی برسند. این محیط زیست مطلوب، هم از نظر مادی باید سالم و پاکیزه باشد، به گونه‌ای که آب، هوا، خاک و دریاها پاک و سرشار از حیات طبیعی باشند، و هم از نظر معنوی و اخلاقی باید عاری از فساد، پلشتی و رذایل اجتماعی باشد. عمران زمین به معنای حفظ و تأمین شرایط زیست‌محیطی و اخلاقی است که امکان رشد جسمی و روحی انسان را فراهم سازد؛ به گونه‌ای که بدن و جان هر دو از مواهب الهی بهره‌مند شوند. (همان، ص. ۴۱)

از این رو، خلافت و تسخیر زمین توسط انسان محدود به عمران مادی نیست، بلکه آبادانی زمین وسیله‌ای برای تحقق هدف والاتر، یعنی صلاح و کمال انسان است. زمین باید در صلح و آرامش باشد تا زمینه رشد و اصلاح انسان فراهم گردد. این صلح و صلاح نهایی با ظهور منجی عالم تحقق می‌یابد؛ چنانکه در دعا آمده است: *وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ*. (ابطحی، ۱۳۸۵، دعای ۳۹۶، ص. ۳۲۹)

بدین ترتیب، عمران زمین نه تنها مسئولیتی فردی و اجتماعی بلکه زمینه‌ساز تحقق اهداف بلند دینی و انسانی است.

تبیین روابط بین اهداف تربیتی

در نظام تربیتی اسلامی، تحقق هدف غایی تربیت که همانا قرب الهی است، از طریق مجموعه‌ای از اهداف واسطی در چهار رابطه اساسی شکل می‌گیرد. این روابط چهارگانه، ارتباطات شناختی، عاطفی و رفتاری انسان را در برمی‌گیرد که هر یک نقش محوری در رشد و تکامل روحی و عملی انسان ایفا می‌کنند. اهداف واسطی تربیت، همچون پله‌هایی در مسیر صعود انسان به سوی کمال حقیقی عمل می‌کنند و هر یک در تعامل و تأثیر متقابل با دیگری، زمینه‌ساز تحقق قرب الهی هستند. به بیان دیگر، بدون تحقق هماهنگ و هم‌افزای این ابعاد، حرکت انسان به سوی هدف غایی ناقص و ناکارآمد خواهد ماند.

بعد شناختی، معرفت به خدا، خود و جهان پیرامون را به انسان می‌آموزد و زمینه فهم صحیح از عبودیت و تکالیف دینی را فراهم می‌کند. این شناخت، پایه و اساس شکل‌گیری عواطف دینی و مسئولیت‌پذیری در انسان است. بعد عاطفی، شامل محبت و احساس مسئولیت نسبت به خدا، خود، دیگران و طبیعت است که انسان را به اقدام عملی وادار می‌کند. این احساسات، انگیزه‌ساز عمل درست و پایدار در مسیر عبادت، خودسازی و عدالت‌ورزی هستند.

بعد رفتاری، نمود عینی و عملی اهداف تربیتی است که شامل تلاش در طاعت و بندگی، خودسازی، انجام وظایف اجتماعی و عمران و آبادانی زمین، می‌شود. این رفتارها وقتی بر اساس شناخت و عاطفه صحیح شکل گیرند، به عنوان عبادتی خالص و تقرب‌جویانه به خداوند محسوب می‌شوند. در نهایت، بعد گرایشی، شامل جهت‌گیری و احساس تعهد انسان نسبت به حفظ محیط زیست و بهره‌برداری مسئولانه از نعمت‌های الهی است که استمرار و پایداری زندگی پاک و سالم را تضمین می‌کند.

این چهار رابطه در یک چرخه مستمر و هم‌افزا، مکمل یکدیگرند؛ یعنی شناخت عمیق، عاطفه صادقانه را به دنبال دارد، عاطفه صحیح به رفتار درست می‌انجامد و رفتارهای اصلاح شده، گرایش‌های مثبت را در جهت حفظ و آبادانی جهان تقویت می‌کند. چنین تعاملی انسان را در مسیر

عبودیت حقیقی، خودسازی، عدالت‌ورزی و تسخیر صحیح طبیعت قرار می‌دهد که همه این‌ها نهایتاً به حیات طیبه و قرب الهی می‌انجامد.

عبادت در این چارچوب، تنها عملی بیرونی نیست، بلکه عبادتی ارزشمند است که بر اساس محبت و معرفت نسبت به خداوند انجام می‌شود و هدفش رضوان الهی و قرب به معبود است. خودسازی، زمینه‌ساز قرب الهی است و عدالت و احسان، اساس شکل‌گیری جامعه‌ای الهی و پر برکت را فراهم می‌آورد که بستر رشد حیات طیبه در آن فراهم است. همچنین، بهره‌برداری مسئولانه و شکرانه از طبیعت، جلوه‌ای از سپاسگزاری نسبت به نعمت‌های خداوند و بخشی از تحقق رضوان الهی در جهت قرب الهی است.

بدین ترتیب، تنها با مدیریت هماهنگ و متوازن این روابط چهارگانه، انسان می‌تواند به هدف غایی تربیت دست یابد و زندگی پاک، سعادت‌مندانه و رضایت‌بخش را تجربه کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ادعیه، واجد نظامی هدفمند از اهداف تربیت اسلامی‌اند که در بستر چهار رابطه بنیادین انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت، به گونه‌ای منسجم و هماهنگ عمل می‌کنند. تحلیل مضامین این ادعیه با تأکید بر اندیشه تربیتی علامه جوادی آملی، گویای آن است که هدف غایی تربیت در این نظام، قرب الهی است؛ هدفی که مطلوبیت ذاتی دارد و تمامی اهداف واسطی همچون عبادت، خودسازی، عدالت‌ورزی و احسان در جامعه و بهره‌برداری صحیح از طبیعت در مسیر تحقق آن قرار دارند. این اهداف واسطی، در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری، به‌صورت تعاملی و هم‌افزا عمل کرده و انسان را به سوی حیات طیبه و کمال نهایی سوق می‌دهند.

نظام اهداف تربیتی تبیین‌شده در ادعیه، با تأکید بر رویکرد وحیانی در اندیشه علامه جوادی آملی، نظامی جامع، فطرت‌محور و انسان‌ساز را ارائه می‌دهد که نه تنها قابلیت کاربرد در تربیت فردی، بلکه در هدایت جامعه به سوی عدالت و صلاح را نیز داراست. در این نظام، انسان در بستر عبودیت و بهره‌گیری

از مواهب الهی، به سوی کمال مقربانه هدایت می‌شود و جامعه‌ای توحیدی و اخلاقی شکل می‌گیرد. در پایان، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده با تمرکز بر «کاربست‌های تربیتی ادعیه در ساحت‌های مختلف تعلیم و تربیت»، «تحلیل تطبیقی اهداف تربیتی ادعیه با دیگر منابع اسلامی مانند قرآن و نهج‌البلاغه» و نیز «بررسی ظرفیت ادعیه در تربیت اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای» توسعه یابند تا ابعاد مغفول این گنجینه معنوی روشن‌تر گردد و در حوزه تربیت اسلامی بیشتر مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

نقش اندیشه علامه جوادی آملی در تبیین الگوی اهداف تربیتی ادعیه، نقشی بنیادین، جهت‌دهنده و وحدت‌بخش است. دیدگاه‌های ایشان با تکیه بر حکمت متعالیه، قرآن‌محوری و تحلیل عقلانی از متون دینی، امکان فهم عمیق‌تر و انسجام‌بخشی دقیق‌تر به نظام اهداف تربیتی را فراهم می‌سازد. در این نظام، مفاهیم و چارچوب‌هایی که علامه جوادی مطرح می‌کنند، همچون چراغی راه‌گشا در تحلیل مضامین ادعیه و دسته‌بندی هدفمند آن‌ها عمل می‌کنند. چند محور کلیدی در اندیشه ایشان که در تبیین این نظام نقش دارند، عبارت‌اند از:

۱. قرب الهی به مثابه هدف نهایی تربیت: از منظر علامه جوادی، غایت تربیت انسانی نه تنها رشد اخلاقی یا دانشی، بلکه وصول به مقام قرب الهی است. این دیدگاه با هدف‌گذاری بلند و غایت‌مدار، به تحلیل مضامین ادعیه سمت‌وسویی مشخص می‌بخشد و آن‌ها را از سطح توصیه‌های پراکنده به سوی یک نظام تربیتی هدفمند سوق می‌دهد.

۲. عبودیت و خلیفه‌اللهی به عنوان مسیر تحقق کمال: ایشان عبودیت را شرط تحقق خلافت الهی در انسان می‌دانند. بنابراین، هر هدف تربیتی باید با تقویت عبودیت و بروز صفات الهی در وجود انسان هماهنگ باشد. این نگاه، در تحلیل اهداف واسطی مانند عبادت، خودسازی، عدالت و احسان در جامعه، و مسئولیت‌پذیری در برابر طبیعت، نقشی ساختاری ایفا می‌کند.

۳. حیات طیبه به مثابه تجلی عینی تربیت موفق: علامه جوادی «حیات طیبه» را زندگی معنادار، پاک، عقلانی، هدفمند و همراه با آرامش در پرتو ایمان و عمل صالح می‌داند. این مفهوم، حلقه

ارتباطی میان اهداف فردی و اجتماعی در نظام تربیت است و نشان می‌دهد که رشد فرد بدون اصلاح جامعه و تعامل اخلاقی با طبیعت کامل نخواهد بود.

۴. جامعیت و توازن میان ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری: ایشان بر تربیت همه‌جانبه تأکید دارند و قائل به ارتباط تنگاتنگ میان شناخت درست، محبت و انگیزه الهی، و رفتار متعهدانه‌اند. این نگاه، چارچوبی تحلیلی برای طبقه‌بندی اهداف واسطی در سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کرده و تحلیل ادعیه را از سطح ظاهری به ساحت‌های عمیق‌تری ارتقاء می‌دهد.

در مجموع، اندیشه علامه جوادی آملی با ارائه مفاهیم بنیادین و نظام‌مند، زمینه‌ساز استخراج هدفمند، فطرت‌مدار و هماهنگ اهداف تربیتی با غایت آفرینش از دل ادعیه می‌گردد؛ اهدافی که قابلیت تعمیم به نظام‌های تربیتی فردی، اجتماعی و حتی جهانی را دارمی باشد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابطحی، محمدباقر، ۱۴۲۴ق، الصحیفه النبویه الجامعه: لادعیه الانبیا و المرسلین من آدم الی خاتم النبیین محمد رسول رب العالمین، قم: موسسه امام المهدی علیه السلام.
۴. _____، ۱۳۷۷، الصحیفه العلویه الجامعه لادعیه/ الامام علی بن ابی طالب علیهم السلام، قم: موسسه الامام المهدی علیه السلام.
۵. _____، ۱۳۸۱، الصحیفه الرضویه الجامعه، قم، حبل المتین.
۶. _____، ۱۳۸۵، الصحیفه الباقریة والصادقیه الجامعه، قم: موسسه الامام المهدی علیه السلام.
۷. _____، ۱۴۱۳ق، الصحیفه السجادیة الجامعه لادعیه/ الامام علی بن الحسین علیهم السلام، قم: موسسه الامام المهدی علیه السلام.
۸. _____، ۱۴۲۳ق، الصحیفه المهدیه الجامعه، قم، حبل المتین.
۹. _____، ۱۴۳۷ق، الصحیفه الحسینیة الجامعه لادعیه/ الامام حسین بن علی علیهم السلام، قم: موسسه الامام المهدی علیه السلام.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، ۱۳۹۵ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۱۴ق. اقبال الاعمال، تحقیق جواد قیومی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۹، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی ۲: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. باقری، خسرو، ۱۳۹۸، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه.
۱۴. البحرانی، کمال الدین میثم بن علی، ۱۴۲۰ق، بیروت: دارالثقلین.
۱۵. جعفر بن محمد الصادق (منسوب) ۱۴۰۰م صباح الشریعة و مفتاح الحقیقة بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴ معرفت شناسی در قرآن، قم، اسرا.
۱۷. _____، ۱۳۸۶ تفسیر انسان به انسان. قم: اسرا.
۱۸. _____، ۱۳۸۸ اسلام و محیط زیست، قم، اسرا.
۱۹. _____، ۱۳۸۹ الف ولایت علوی در قرآن، قم، اسرا.

۲۰. _____، ۱۳۸۹ ب جامعه در قرآن، قم، اسرا
۲۱. _____، ۱۳۹۰ تبیین براهین اثبات خدا، قم، اسرا
۲۲. _____، ۱۳۹۳ الف. تحریر تمهید القواعد، - قم، اسرا.
۲۳. _____، ۱۳۹۳ ب. رحيق مختوم، ج. ۵. ویراستار حمید پارسانیا. قم، اسرا.
۲۴. _____، ۱۳۹۸ ب فطرت در قرآن تفسیر موضوعی قرآن جلد ۱۲، قم، اسرا
۲۵. _____، ۱۳۷۹، مراحل اخلاق در قرآن، قم، اسرا
۲۶. _____، ۱۳۸۷، ادب فنای مقربان، قم، اسرا
۲۷. _____، ۱۳۸۹، ولایت علوی در قرآن، قم، اسرا
۲۸. _____، ۱۳۹۳، الف تحریر تمهید القواعد، قم، اسرا
۲۹. _____، ۱۳۹۴، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسرا
۳۰. _____، ۱۳۹۸، الف حکمت عبادات، قم، اسرا
۳۱. _____، ۱۳۷۹، مراحل اخلاق در قرآن، قم، اسرا
۳۲. _____، ۱۳۸۵، شرح دعای ابو حمزه ثمالی، جلسه اول، سایت تبیان
۳۳. حسینی زاده، سید علی، ۱۴۰۲، تعلیم و تربیت اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۳۴. شرفی، محمد رضا، ۱۳۸۸، فلسفه تربیتی اسلام با رویکردی تطبیقی، تهران، موسسه فرهنگی منادی تربیت
۳۵. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ق، من لا یظهره الفقیه، تهران، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، تفسیر مجمع البیان، تهران، نشر فراهانی.
۳۷. فتحعلی خانی، محمد، ۱۳۷۹. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، تهران، نشر شهریار
۳۸. کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۴۱۸ق،، البلد الامین و الدرع الحصین، بیروت، موسسه الاعلمی، للمطبوعات، چاپ اول
۳۹. کفعمی، ابراهیم بن علی، جنبه الأمان الواقیه و جنبه الإیمان الباقیه، بیروت، موسسه الاعلمی، للمطبوعات، بی تا.
۴۰. متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۱ق، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، دار الکتب العلمیه - بیروت - لبنان

۴۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق.، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
۴۲. مدرسی چهاردهی، محمد علی، ۱۳۶۰ شرح صحیفه سجادیه، تهران، مکتبه الرضویه.
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۱، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۴. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۸ق. فی ظلال الصحیفه السجادیه، قم، دار الکتاب الإسلامیه.
۴۵. نراقی، احمد بن محمد، ۱۴۲۰ق. معراج السعاده، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.

